پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، صص ۴۸ – ۲۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۱۰۲

مطالعه تطبیقی رویکرد دولت‌های هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران به سازمانهای مردم‌نهاد فرهنگی و اجتماعی

علیرضا رحیمی کیا[۱]
اصغر افتخاری[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳

چکیده

سازمان‌های مردم نهاد در شکل و رویکرد امروزی در ادبیات جهانی به عنوان ابزار نمایش قدرت مردم و واسطه میان حکومت و مردم معرفی شده‌اند و از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشند از این رو مردم در جمهوری اسلامی ایران که به عنوان حکومتی مردم سالار است جایگاه خاص و والایی برخوردار می‌باشند لذا متناسب با این جایگاه و اهمیت، نهادهای برآمده از مردم نیز نقش مهمی در پیروزی و استمرار آن داشته‌اند. در قانون اساسی اصول زیادی در خصوص مردمی بودن و رعایت حق مردم شده است. مقاله حاضر که در صدد بررسی مطالعه تطبیقی رویکرد دولت‌های هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران به سازمانهای مردم نهاد فرهنگی و اجتماعی است پس از بسط فضای مفهومی موضوع تحقیق، به تبیین اهمیت و جایگاه مردم و نقش آنها در سازمانهای مردم نهاد می‌پردازد. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این مقاله، روش تحقیق، توصیفی–تحلیلی و تطبیقی است روش گردآوری اطلاعات در این مقاله، کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارند که پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، تغییر در ساختار سیاسی در ایران، بروز نشانه‌هایی از گفتمان دمکراتیک بجای گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی و بالاخره انتخاب ساختار جمهوری از سوی رهبران انقلاب برای شکل نظام همه بیانگر سرآغاز جدیدی در حیات سیاسی معاصر ایران و فراهم شدن زمینه برای تکوین نهادهای غیردولتی در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران بود ثانیاً؛ تقویت سازمانهای مردم نهاد در دوران خاتمی به نسبت دوران احمدی نژاد بیشتر بوده و این سازمانها در دوران دولت هشتم بیشتر مورد توجه و اهمیت قرار گرفتند..

واژه‌های کلیدی: ایران، دولت هشتم و نهم، سازمان‌های مردم نهاد، جامعه مدنی

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) e.sharifpour98@gmail.com

۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. eftekhariasg@gmail.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

مقدمه

امروزه، ارتباط مردم با حکومت و دستگاه‌های دولتی و رشد مشارکت‌های هر چه بیشتر آنان از طریق نهادها و سازمان‌هایی صورت می‌گیرد که به «سازمان‌های مردم نهاد» معروف شده‌اند؛ چرا که ویژگیهایی نظیر نداشتن وابستگی به ساختار دیوان سالارانه و منابع عمومی دولت، داوطلبانه و مردم سالاری بودن، آن‌ها را از سازمان‌های دولتی متمایز می‌نماید (بهرامی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۰۶). لذا در دهه‌های اخیر نهادهای مدنی به ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد[1] به عنوان نماد بارز حاکمیت مردم گسترش روزافزون یافته است. (کرا، ۲۰۰۵، ۳۵) این سازمان‌ها به عنوان رابط مردم با حاکمیت از ظرفیت بالایی برخوردارند که با استفاده از آن می‌توان به حل بسیاری از مشکلات مردم پرداخت. ارزیابی‌ها نیز حکایت از نقش رو به گسترش این سازمانها در مجامع بین‌المللی و نیز تأثیر آنها در افکار عمومی و روابط بین‌الملل در آینده دارد. (کرا،۲۰۰۵: ۳۷)، از این رو جمهوری اسلامی ایران به عنوان منادی مردم سالاری دینی، در تلاش است، با توجه به کارکردهای متنوع این سازمان‌ها، نسبت به بهره‌برداری مدیریت شده و هدفمند از ظرفیت این سازمان‌ها اقدام نماید؛ بی شک این مهم با استفاده از برنامه‌ریزی راهبردی، هدف‌گذاری صحیح و نظارت و ارزیابی سیاست‌ها در خصوص این سازمانها امکان پذیر است و در نهایت به کاهش مشکلات کشور در حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگ، اقتصاد، مشارکت اجتماعی و سیاسی، امنیت اجتماعی و جلوگیری تهدیداتی همچون وقوع جنبش‌های اجتماعی نوین منجر خواهد شد.[2]

بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال واکاوی راهبردهای موجود در جمهوری اسلامی ایران در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد در دوران دولتهای هشتم و نهم است؛ چرا که سازمانهای مردم‌نهاد یکی از ابزارهای اساسی مدیریت دولتی نوین (حکمرانی خوب) در جهت رشد و توسعه قلمداد می‌گردند و در کشور ایران به مانند اکثر کشورها، نقشی اساسی در فرآیند پیشرفت برعهده دارند، هر چند که تاکنون، این سازمانها در ایران، در این فرآیند و کمک به شکل‌گیری و ایفای نقش سازمان‌های نهادهای مدنی در پیشرفت کشور، آنچنان که باید و شاید نتوانسته‌اند نقش مهمی را ایفا نمایند.

1. Non-govermental organizations

۲. تجربه کشورهای غربی در استفاده موفق از سازمانهای مردم نهاد برای شکست رقبای ایدئولوژیک و سیاسی خود (در قالب انقلاب‌های رنگی)، آنان را به حمایت جدی از این سازمان‌ها برای تغییر از درون جمهوری اسلامی ایران واداشته است.

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

پیشینه تحقیق

– دهقان (۱۳۸۲)، در پژوهشی تحت عنوان «آسیب‌شناسی تطبیقی سازمانهای غیردولتی در دوران آقای هاشمی و آقای خاتمی (با تأکید بر سازمانهای غیردولتی زنان)»، دریافته است که NGOs زنان در دوران هاشمی با مسائل و مشکلات متعددی از جمله ناشناخته بودن این مفهوم در آن زمان، عدم آشنایی مؤسسان و دولت با نقش و کارآیی این سازمان‌ها، زیر چتر حمایت دولت بودن و ابزار تبلیغِ نظام قرارگرفتن، نظارت حداکثری دولت و نگاه امنیتی نسبت به آنها درگیر بوده‌اند. اما در دوران خاتمی، با تحولات رخ‌داده در فضای تئوریک کشور و تأثیرگرفتن سیاست‌ها و برنامه‌ها از نظام بین‌الملل و...، وضعیت NGOs زنان تغییر می‌کند، به رسمیت شناخته می‌شوند، بسته‌هایی برای فعالیت آنها آماده می‌شود و نگرش دولت به آنها نیز متفاوت می‌شود.

– کریمی حصار (۱۳۸۷) در پایان نامه‌ای با عنوان: «نقش سازمان‌های غیردولتی در شکل گیری سرمایه اجتماعی» بررسی می‌کند که سمن‌ها و نفوذ قابل توجه آنان در جامعه موجب افزایش سرمایه اجتماعی می‌گردد. سرمایه اجتماعی نیز موجب افزایش بهره وری سرمایه انسانی می‌شود.

–هانیه سیوانی (۱۳۹۲) در پایان نامه‌ای با عنوان: «نقش سازمانهای مردم نهاد در فرایند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ریاست جمهوری محمد خاتمی» به این نتیجه می‌رسد که علیرغم شعارهای دولت در داخل کشور برای مشارکت مردم، در سیاست خارجی اجازه عمل به استفاده بیشتر از دیپلماسی مردمی داده نشد.

– مطهری (۱۳۸۹) در پایان نامه‌ای با عنوان: «تأثیر عضویت در سازمانهای مردم نهاد بر پایگاه اجتماعی– اقتصادی زنان سرپرست خانوار» به این نتیجه می‌رسد که زنان عضو در سمن‌ها به زور معنا داری از پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر، دسترسی به امکانات رفاهی بیشتر، رضیت از زندگی بیشتر و بهبود نگرش نسبت به توانایی‌ها و شایستگی‌های خود برخوردار بوده‌اند.

– منشی (۱۳۹۰) در پایان نامه‌ای با عنوان: «بررسی تأثیر عضویت در سازمانهای غیردولتی بر بازتعریف هویت اجتماعی زنان خانه دارمطالعه موردی شهر تهران» بررسی می‌کند که بین مشارکت اجتماعی زنان در سمن‌ها و نوع هویت آنها ارتباط معنا داری وجود دارد زنان خانه

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

دار فعال در سمن‌ها در مقایسه با همتایان غیر فعال خود بیشتر به باز تعریف هویت اجتماعی خود دست زده و از هویت مدرن‌تری برخوردارند.

–آریان پور (۱۳۸۹) در پایان نامه‌ای با عنوان: «تبیین نقش سازمان‌های غیردولتی جوانان به عنوان حاملان اصلی سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی" نتیجه می‌گیرد که ساختار سازمان‌های غیردولتی در جلب مشارکت اجتماعی مؤثر بوده و عملکرد سازمان‌های غیردولتی نقش مؤثری در شفافیت و پاسخگویی دارد. همچنین اهداف و عملکرد سازمان‌های غیردولتی در تقویت انسجام و یکپارچگی گروهی نقش مؤثری دارند.

–حسینی (۱۳۹۱) در پایان نامه‌ای با عنوان: «نقش سازمان‌های مردم نهاد در روابط ایران و مصر» به این نتیجه می‌رسد که سازمان‌های مردم نهاد در رشد تعاملات سیاسی و فرهنگی دو کشور نقش داشته و می‌توانند نقش جدی‌تری بازی کنند.

– سجادی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «راهکارهای تقویت سازمان‌های مردم نهاد»، آورده است: تقویت حوزه ارتباط سازمان‌های مردم نهاد در ایران با سازمان‌های بین المللی و سازمان‌های مدنی غیر ایرانی می‌تواند به عنوان پلی برای وصل شدن جوامع به یکدیگر باشد. فراهم آوردن مجاری تعامل انجمن‌ها با نهادهای مؤثر در نظام اجتماعی نیز وجه دیگری است که می‌تواند به تأثیر گذاری فعالیت‌های سازمان‌های مردم نهاد بینجامد.

– علائی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی وضعیت و ساماندهی سازمانهای غیردولتی فرهنگی در ایران» نتیجه می‌گیرد که سطح دانش و مهارت مدیران ومتولیان سازمان‌های غیردولتی فرهنگی و هنری در وضعیت مطلوبی نیست در میان متولیان فرهنگی هیچ هماهنگی در بسترسازی برای فعالیت غیردولتی وجود ندارد. هدایت و رهبری فعالیتها در سطح ضعیف اجرا می‌شود و نظارت و کنترل دقیقی بر فعالیتها وجود ندارد.

– براری و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله مشترکی تحت عنوان «بررسی تأثیر عضویت در سازمان‌های مردم نهاد بر پایگاه اجتماعی– اقتصادی زنان سرپرست خانوار» نتایج بدست‌آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات با استفاده از آزمون خی دو و آزمون u یا من ویتنی نشان می‌دهد که: زنان عضو در سازمان‌های مردم نهاد بطور معناداری از پایگاه اجتماعی– اقتصادی بالاتر، دسترسی به امکانات رفاهی بیشتر، رضایت از زندگی بیشتر و بهبود نگرش نسبت به توانایی‌ها و شایستگی‌های خود برخوردار بوده‌اند در مقابل، در ابعاد دیگری نظیر

فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

مهارت‌های حرفه‌ای، حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، قدرت کنترل و تصمیم‌گیری، تفاوت معنادار آماری بین دو گروه از زنان وجود نداشت. کارال[1] (۱۹۹۲) پس از مطالعهٔ NGO 30 در آمریکای لاتین، دریافت که این سازمان‌ها در زمینهٔ حمایت از اعضا، عملکرد ضعیف‌تری نسبت به سازمان‌های محلی و مردمی در کلیهٔ خدمات مهم داشتند. همچنین، ظرفیت این سازمان‌ها در منفعت‌رسانی به فقیرترین گروه‌های ساکن در نواحی روستایی محدود می‌باشد. والدراما[2] (۱۹۹۸) بدین نتیجه رسید که آیندهٔ NGOs صرفاً تحت تأثیر جهانی‌شدن و اصلاحات آزادسازی نیست، بلکه بحران مالی این سازمان‌ها موجب گشته که آنها به منابع مالی خارجی وابسته شوند. به‌عبارتی، در حال حاضر، NGOs راغب شده‌اند که در پی منابع محلی و تأمین مالی شخصی از راه کسب و کارهای بشردوستانه باشند. شخ[3] (۲۰۰۰) با بررسی نقش NGOs در روستاهای بنگلادش دریافت که برنامه‌های توسعه‌ای که NGOs اجرا می‌کنند، باعث افزایش سواد، آگاهی و مهارت‌های رهبری و در نهایت قدرتمندسازی زنان می‌شود، اما به دلیل کردارهای اجتماعی و فرهنگی رایج، این برنامه‌ها در درگیرکردن و بسیج زنان به سمت بخش‌های مولد ناکام مانده‌اند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

جنبه نوآوری پژوهش

هرچند پژوهش‌های فراوانی در قالب پایان نامه، مقاله، رساله نگاشته شده است اما هیچ کدام جامعه مدنی را از منظر سمن‌ها و خاصه در حالت تطبیقی در دو دوره از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار نداده‌اند بنابراین لزوم انجام این پژوهش، ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر آنچه بر نوآوری این مقاله می‌افزاید این است که نگاه تحقیق حاضر به جایگاه، نقش و عوامل مؤثر بر عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران، نگاهی تلفیقی است؛ و پژوهشگر تلاش دارد تا وضعیت سازمانهای مردم نهاد در دو دوره احمدی نژاد و خاتمی را مورد مقایسه و بررسی قرار دهد.

تعریف سازمان‌های مردم نهاد

ارائه یک تعریف دقیق از سازمان‌های غیر دولتی و همچنین تحلیل این پدیده کار بسیار دشواری

1. Carrall
2. Valderrama
3. Shekh

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

است. یکی از دلایل این دشواری به این موضوع باز می‌گردد که سازمان‌های غیر دولتی از تنوع بسیاری برخوردار هستند؛ این سازمان‌ها از گروه‌های کوچک غیر رسمی تا آژانس‌های بزرگ رسمی را در بر می‌گیرند. سازمان‌های غیر دولتی در جوامع مختلف دارای نقش‌ها و اشکال مختلفی هستند. در نتیجه، سازمان‌های غیر دولتی از پیچیده منحصر به فردی برخوردارند. به عنوان مثال، علی‌رغم اینکه سازمان‌های غیر دولتی توسط دولت‌ها اداره نمی‌شوند و همچنین با انگیزه کسب سود فعالیت نمی‌کنند، برخی از این سازمان‌ها کمک‌های هنگفتی از دولت‌ها دریافت می‌کنند و تلاش می‌کنند برای تأمین هزینه‌های خود وارد فعالیت‌های اقتصادی سود آور شوند. این ویژگی‌ها سبب شده است که تعریف سازمان‌های غیر دولتی با پیچیدگی‌هایی همراه باشد. دایان اتو[1] می‌گوید: «یک سازمان غیردولتی، شخصیتی غیرانتفاعی است که اعضای آن شهروند یا مجموعه‌ای از شهروندان یک یا چند کشورند که نوع فعالیت آن به منظور پاسخگویی به احتیاجات افراد جامعه و یا جوامعی که سازمان مذکور با آن همکاری می‌نماید تعیین می‌شود و البته مستقل از دولت یا دولتها عمل می‌کند»، (مرکز مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، ۱۳۸۰: ۳-۱۳)، سالامون لستر و هلموت آنهییر[2] چنین تعریفی ارائه کرده‌اند: «سازمان غیردولتی؛ تشکلی مستقل، منعطف، دموکراتیک و غیرانتفاعی است که فعالیتها ی خود را جهت کمک به تقویت بنیه‌های اقتصادی و اجتماعی گروههای حاشیه‌ای، حل معضلات عامه و گاه رفع مسائل قشری خاص متمرکز کرده‌اند» (موسوی، ۱۳۹۰، ۵۶)

جدول زیر تنوع این نوع سازمان‌ها و علائم اختصاری آنها را نشان می‌دهد:

عنوان فارسی	عنوان انگلیسی	اختصار
سازمان‌های جامعه مدنی	Civil society organizations	CSOs
سازمان‌های غیر دولتی دولت ساخته	Government_ organized NGOs	GONGOs
سازمان‌های حامی توده عوام	Grassroots support Organization	GSOs
شورای بین‌المللی آژانس‌های داوطلبانه	International council for voluntary agencies	ICVA
سازمان‌های غیر دولتی جامعه‌مدار (محلی)	Community_ based organization	CBOs

پیشینه تشکیل سازمان‌های مردم نهاد در ایران

در مشرق زمین بطور اعم و ایران بطور اخص وضعیت متفاوت از جوامع غربی بود. از منظر جامعه شناسی تاریخی تفاوت اصلی دولت در مشرق زمین با مغرب زمین عدم اتکای

1. Dianne Otto
2. Salamon Lester & Helmut Anhier

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

دولتهای مشرق زمین به طبقات و تمرکز قدرت نزد دولت بود. صرف نظر از علل شکل گیری چنین وضعیتی، تمرکز قدرت نزد دولت در مشرق زمین سبب طرح نظریه استبداد شرقی از سوی پژوهشگران تاریخ و سیاست مشرق زمین گردید (آبراهامیان، ۱۳۹۳: ۴۳-۲۰).

در جامعه ایران نیز، قبل از شکل‌گیری دولت مدرن، بدلیل وجود استبداد شرقی، نهادهای غیردولتی به معنای جدید آن، محلی از اعراب نداشتند؛ اگرچه در بطن جامعه ایران برخی نهادهای سنتی نظیر مساجد، تکایا، هیات‌های مذهبی، زورخانه‌ها، انجمن‌های قلندری و جوانمردی و قهوه خانه‌ها و پس از آن صندوق‌های قرض الحسنه، خیریه‌ها، انجمن‌های اسلامی وحتی دوره‌های فارغ التحصیلی در دوران بعدتر و سپس اتحادیه‌ها، اصناف، روحانیت، بازار و گروه‌های تصوف و فتوت فعالیت داشته و نقش واسط میان دولت و مردم را ایفا می‌کردند اما هیچکدام از این نهادها مشخصه اصلی سازمانهای مردمی جدیدی یعنی شکل گیری با نقش مستقیم مردم به منظور سازماندهی مشارکت آنها را نداشتند.

لذا آشنایی ایرانیان با سازمانهای مردمی در مفهوم جدید آن و تلاش برای استقرار آنها، محصول روابط با مغرب زمین در قرن نوزده و آشنایی با مدرنیسم بود. افزایش تماسهای ایرانیان با مغرب زمین در قرن نوزده سبب ظهور قشر جدیدی در ساختار اجتماعی ایران گردید. این گروه جدید، که بعدها ویژگی طبقه یافته و اصطلاح روشنفکر به آنها نهاده شد (آبراهامیان، ۱۳۹۳: ۷۶) مایه‌های فکری خود را از انقلاب کبیر فرانسه گرفته و خواستار نوسازی ساختار سیاسی ایران از طریق استقرار نظم مبتنی بر پارلمانتاریسم بود (مسعودنیا، ۱۳۷۷: ۲۸). بر این مبنا، اینان از یکطرف بدلیل تأثیرپذیری از تحولات اروپا و از طرف دیگر برای نیل به منظوری خاص، در صدد استقرار نهادهای مردمی برآمدند، سازمان‌هایی که رسالت آنها هم نیل به پارلمانتاریسم و هم نهادینه‌سازی آن بود. در راستای چنین هدفی بود که این عده از نخبگان ایرانی قبل از استقرار مشروطیت در ایران، به سال ۱۲۸۵ هـجری شمسی مصادف با ۱۹۰۶ میلادی، اقدام به تأسیس سازمانهایی چون فراموشخانه، انجمن مخفی، مجمع آدمیت، مرکز غیبی و کمیته انقلابی کردند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۹۸)؛ بدین ترتیب می‌توان گفت، نهادهای غیردولتی در ایران با مشروطیت همزادند. از آن هنگام تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران؛ بجز مقاطع کوتاه، این نهادها امکان حیات و فعالیت نداشتند. در دوران سلطنت رضاشاه به شدت با فعالیت این نهادها مخالفت شد. اشغال ایران توسط متفقین

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

در شهریور ۱۳۲۰، برکناری رضاشاه و از میان رفتن استبداد دولتی، دوباره فرصت تکوین و فعالیت سازمانهای مردمی را در تاریخ معاصر ایران فراهم ساخت. در این مقطع نه تنها احزاب دوباره به عرصه سیاست بازگشتند بلکه سازمانهایی چون «کانون مهندسین ایران» و بعدها «انجمن نظارت بر انتخابات» شکل گرفت که کاملاً ویژگی نهادهای غیردولتی مدرن را داشتند. اوج فعالیت و مبارزات سیاسی این نهادها در دوران نخست وزیری دکتر محمد مصدق بود که با کودتای آمریکایی □ انگلیسی ۲۸ مرداد این فرصت طلایی از دست رفت (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۰۸).

بعد از کودتا و با اعاده استبداد چراغ حیات نهادهای غیردولتی به خاموشی گرایید. در سالهای بعد از کودتا شاید یکی از مهمترین این نهادها، البته در خفا، «انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران» بود که توسط مهندس بازرگان و همفکران او بنیان نهاده شد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۶۳).

سیاست دولت در این سالها برای تمرکز قدرت نزد خود همراه با تعقیب برنامه نوسازی آمرانه نه تنها امکان حیات را از نهادهای غیردولتی جدید گرفت بلکه نهادهای سنتی واسط میان دولت و ملت نیز با جایگزینی دیکتاتوری حزبی، از طریق ایجاد حزب واحد رستاخیز، بجای دیکتاتوری نظامی قدرت و نفوذ خود را در جامعه از دست دادند. پیروزی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، اعلان سیاست حقوق بشر از سوی رهبران آمریکا و بدنبال آن بازشدن تدریجی فضای سیاسی در ایران یکبار دیگر امکان تکوین نهادهای مردمی را در ایران فراهم کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۴۴). شاید مهمترین تشکل سیاسی در این حوزه «انجمن ایرانی دفاع از حقوق بشر» بود که توسط مهندس بازرگان و دیگر همفکران او در نهضت آزادی تشکیل شد (پورنجاتی، ۱۳۸۱: ۹).

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، تغییر در ساختار سیاسی در ایران، بروز نشانه‌هایی از گفتمان دمکراتیک بجای گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی و بالاخره انتخاب ساختار جمهوری از سوی رهبران انقلاب برای شکل نظام همه بیانگر سرآغاز جدیدی در حیات سیاسی معاصر ایران و فراهم شدن زمینه برای تکوین نهادهای غیردولتی در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران بود. آمارها نشان می‌دهد که از پایان جنگ ایران و عراق تا کنون تعداد سازمان‌های غیر دولتی در ایران ۲۰ درصد افزایش یافته است. این رشد در سال ۱۹۹۷، در پی اجرای برنامه‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

سوم و چهارم توسعه به اوج خود رسید. اگرچه این سازمان‌ها با تغییر اولویت‌های دولت بن سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ با کاهش چشم‌گیری مواجه شده‌اند (Khosravi and Shahsavari 2016, 192).

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، فضای جدیدی را برای رشد و توسعه سازمان‌های غیر دولتی در سپهر سیاسی ایران ایجاد نمود. از سال ۱۳۵۷ به این سو، توسعه و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی به چهار دوره تقسیم می‌شود. در سال‌های اول انقلاب، حقوق و آزادی‌های فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شد. بر این اساس، برگزاری اجتماعات عمومی بلامانع اعلام شد چرا که در نظام اسلامی پذیرش آرای مردم و حضورآنها در عرصه‌های مختلف نظام، عامل مقبولیت و پایداری است. درهمین راستا امام خمینی) ره) در تمام مراحل انقلاب اسلامی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، حضور مردم را رکن مهم و پایه اصلی استحکام نظام می‌دانستند و همواره به آرای عمومی تکیه می‌کردند و در این باره می‌فرمایند که: «انقلاب اسلامی ما انقلابی است که به دست مردم صورت گرفته، مردم انقلاب کرده‌اند باید آن را به آخر برسانند. از این رو، راز غلبه بر مشکلات داخلی در این سه دهه، حضور مردمی است» (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۱)

در چنین شرایطی، مشارکت مردم در جامعه به رسمیت شناخته شد، اما این مشارکت در یک ساختار سیستماتیک و سازمان یافته شکل نگرفت. در واقع، مجموعه‌ای از عقاید مذهبی تحت تأثیر رهبری کاریزماتیک بنام آیت‌الله خمینی [امام خمینی] رشد کرد. این امر سبب شد که تعداد زیادی سازمان غیر دولتی تأسیس شود که هدف اصلی خود را فراموش کرده بودند و یا توانایی تحقق آن اهداف را نداشتند. با آغاز ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی عصر جدیدی در تاریخ انقلاب اسلامی آغاز شد. اولویت نوسازی اقتصادی بر نوسازی سیاسی در دوره ۸ ساله ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی تغییراتی را در ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور ایجاد کرد. از مهم‌ترین ویژگی این دوران می‌توان به کوچک شدن جامعه مدنی، کاهش فعالیت گروه‌های مختلف و احزاب سیاسی در درون قدرت اشاره کرد. علی‌رغم تمرکز بر توسعه اقتصادی، برخی از سازمان‌های دانشجویی در دانشگاه‌های مختلف در موازات انجمن اسلامی دانشجویان (به عنوان یک سازمان رسمی و نهادینه شده) تشکیل شد (Khosravi and Shahsavari, 2016: 195).

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

ریاست جمهوری خاتمی و سازمانهای مردم نهاد

پیروزی آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه ۱۳۷۶ و پیامدهای آن، انقلاب ایران را وارد سومین مرحله از حیات سیاسی خود نمود. ویژگی بارز این مقطع رویکرد به گفتمان دموکراتیک و تلاش برای جایگزین ساختن جامعه مدنی بجای جامعه توده‌ای بود با روی کارآمدن آقای سید محمد خاتمی، شرایط جدید پدید آمد و زمینه را برای طرح قالب‌های گفتمانی نوین فراهم کرد همچنین الگوی آرمانی جدیدی در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. در فضای جدید نشانه‌هایی از گفتمان دموکراتیک اسلامی ظهور یافت. گسترش روابط خارجی و رسیدگی به مسائل و امور خارجی در چارچوب رهیافت واقعگرایی نسبی ادامه یافت و سیاست تعدیل اقتصادی و اهمیت دادن به توسعه صنعتی دولتی جای خود را به توسعه سیاسی داد همچنین در روابط خارجی، پذیرش پلورالیسم (کثرتگرایی (جهانی به معنی نفی نظام تک قطبی وپذیرش تساوی فرهنگها، به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد. (متقی و جمالی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۲) در واقع این گفتمان قرائتی شالوده شکنانه و واسازانه از اسلام را ارائه می‌دهد، اسلام را به مثابه یک دال برتر و نقطه کانونی در قلمرو مسائل و مباحث اجتماعی- سیاسی مطرح می‌کند. افکار و آراء سیاسی خاتمی که بر آزادی، دین، قانون، سنت، مدرن، سیاست، دیانت، دین و دموکراسی تاکید می‌ورزد همچنین از جنبه داخلی بر ضرورت قانون گرایی بر پای جامعه مدنی، تحقق آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و در بعد روابط خارجی سیاستی را دنبال می‌کند که مبتنی بر عقلانیت، اخلاق ارتباطی است مبتنی بر گفتگوی بین الاذهانی، مفاهمه، حق انتخاب آزاد و غیر اجباری انسان‌ها تاکید می ورزدد (ازغندی، ۱۳۸۹:۱۹۰)

لذا، در این دوران به دلیل تسلط گفتمان مردم سالاری و جامعه مدنی در سطح ملی و دولت، فرصت‌های مناسبی فراروی نهادهای مدنی قرار گرفت، تکثر و تنوع نهادهای مدنی مدرن بیش از پیش چشمگیر شد. در این دوران حضور نیروهای کنشگران داوطلب جوان، خون تازه‌ای به رگهای جامعه مدنی ایران جاری کرد که این خود نویدبخش کاهش فاصله بین نسلی و ایجاد فرصت مشارکت سیاسی سرمایه عظیم جوانان به سوی خدمات اجتماعی و پذیرش مسوولیت مدنی شد. دولتمردان نیز مشارکت سیاسی مردم را بیشتر باور کرده و از حضور نهادهای مدنی به عنوان یکی از بازیگران عرصه اجتماعی در کنار دولت و بخش

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

خصوصی استقبال کردند. شکل گیری مثلث دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی، بدون تردید تعریفی مشخص از جایگاه هر یک از این بازیگران برای ایفای نقش مؤثر و فعال در توسعه کشور را می‌طلبید. غالب بودن شعار جامعه مدنی در گفتارها و نبود برنامه‌ریزی مدون برای پایداری این نهادها از جمله خلأهای قابل توجه در این مقطع زمانی است. نکته حائز اهمیت دیگر در این دوران، ضرورت زمانی و تحولات جامعه جهانی مدنی بود، که زمینه مناسبی برای تقویت این پدیده در عرصه عمومی کشور به وجود آورد زیرا بحث مشارکت سیاسی مردم در امور و کوچک کردن دولت از جمله سیاست‌هایی بود که دنبال می‌شد. بنابراین باید زمینه برای این اتفاق فراهم می‌آمد. با وجود کانون‌های مقاومت، کم کم نوع جدیدی از نهادهای مدنی و مناسبات بین دولت و ملت شکل گرفت. در این مرحله نهادها بحث ترویج و مذاکره را از مسائل کلیدی، در عمومی کردن موضوعات و اشاعه آن در سطح مسوولان و مردم دنبال می‌کردند. بعضاً در برخی از این نهادها بحث آزادی‌های اجتماعی و فردی و تغییر قوانین حتی در مواردی انتقاد از عملکرد نهادهای دولتی در دستور کار قرار گرفت. با تجربیات به دست آمده به تدریج شبکه‌های موضوعی و فراگیر وارد عرصه فعالیت‌های مدنی شدند که در برخی موارد تاثیرگذاری قابل توجهی داشتند. در این دوران آژانس‌های بین‌المللی چون UN،UNICEF، UNESCO، UNHCR و دیگر نهادها و NGO های بین‌المللی فعال شده و در قالب اجرای پروژه با سازمان‌های غیردولتی همکاری‌هایی را آغاز کردند.

بررسی تاریخچه شکل گیری سازمان‌های مردم نهاد در ایران ما را در نهایت بدین سو رهنمون می‌کند که، به رغم عمر کوتاه تشکیل سمن‌ها در ایران، به شکل رسمی و نظام مند (کمتر از دو دهه)، از رشد کمی مطلوبی برخوردار بوده‌اند؛ علیرغم این تعدد کمّی، لیکن باید پذیرفت که هنوز در اول راه هستیم و شایسته است جهت رسیدن به کیفیت مطلوب، از تجربیات سایر کشورهایی که در تشکیل سمن‌ها پیشینه‌ای طولانی‌تر دارند؛ بهره بگیریم (معصومی، ۱۳۸۹: ۱۹). بنابراین می‌توان تحلیل نمود که سومین مرحله از تحولات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با پیروزی محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۷ آغاز شد. مهم‌ترین ویژگی این دوره جایگزینی جامعه توده‌وار با مفاهیمی از قبیل گفتگوی دموکراتیک و جامعه مدنی بود. از طرفی، در اثر پیامدهای این تحولات، تغییرات

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

عمده‌ای در جمعیت ایران بوجود آورد. از طرف دیگر، نخبگان سیاسی بازبینی در روش‌های توسعه و حفظ ثبات انقلاب را ضروری دانستند. مهم‌ترین نقش تحولات ساختاری در نوسازی اقتصادی پس از جنگ ایران و عراق نمایان شد. در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، با اخذ وام‌های هنگفت خارجی، سرمایه‌گذاری عظیمی در بخش‌های مختلف کشور صورت گرفت؛ این سرمایه‌گذاری به منظور پر کردن فاصله میان روستاها و شهرها، تغییر الگوی مصرف و پر کردن فاصله فرهنگی در بخش‌های مهم کشور به اقتصاد جنگ زده ایران تزریق شد. در نتیجه این سیاست‌ها، طبقه متوسط جدیدی شکل گرفت که به شدت خواهان مشارکت در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بود. علاوه بر این تغییرات ساختاری، تحولات دیگری نظیر افزایش جمعیت ایران، جمعیت جوان این کشور، رشد شهرنشینی و همچنین افزایش نرخ باسوادی در کشور، زمینه مشارکت سیاسی از طریق سازمان‌های غیر دولتی را فراهم نمود. به عنوان مثال، بر اساس سرشماری سال ۱۹۹۶، ۶۱ درصد از جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کردند؛ در سال ۱۹۹۹ این رقم به ۶۳ درصد جمعیت افزایش میابد (Khosravi and Shahsavari, 2016: 195)

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

برنامه‌ها و اقدامات دولت هشتم

دولت هشتم در راستای تقویت سازمانهای مردم نهاد دست به اقدامات زیر زده است:

طرح توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی زنان:

به پیشنهاد مرکز امور مشارکت زنان و ذیل برنامهٔ اصلاح ساختار توسعه فرهنگی و اجتماعی، طرح توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی زنان به عنوان یکی از طرح‌های اولویت‌دار در توسعهٔ ملی به تصویب شورای سیاستگزاری اولویت‌های توسعهٔ ملی که در رأس آن معاون اول رئیس‌جمهور قرار دارد، رسیده است. طرح مذکور با بهره‌گیری از نظرات مشورتی سازمان‌های غیردولتی، صاحب‌نظران و کارشناسان تدوین و با همکاری سازمان‌های غیردولتی توانمند و کارشناسان متخصص و فعال سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی و نیز آن دسته از سازمان‌های دولتی و غیردولتی که در زمینهٔ ظرفیت‌سازی و توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی به فعالیت می‌پردازند، اجرا می‌شود. طرح توانمندسازی با در نظر گرفتن واقعیت‌هایی همچون ضرورت شناخت دقیق وضعیت موجود و نیازهای سازمان‌های غیردولتی زنان کشور،

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

دسته‌بندی آن سازمان‌ها برمبنای رشد و تکوین سازمانی و شناسایی نیازهای آنها برمبنای دوره رشد و تکوین مبادرت به برنامه‌ریزی برای ظرفیت‌سازی و توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی زنان کرد. تردیدی نیست اهتمام دولت به اجرای چنین برنامه‌ای از پذیرش این واقعیت ناشی می‌شود که بدون مشارکت و همکاری هر سه رکن اصلی جوامع یعنی دولت، بازار (بخش خصوصی) و جامعه مدنی، توسعه همه‌جانبه تحقق نمی‌یابد.

هدف اصلی برنامه توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی زنان فراهم‌سازی تمهیدات قانونی و ترتیبات اجرایی لازم برای تحقق مشارکت مؤثر سازمان‌های غیردولتی در توسعه کشور است. بدیهی است یکی از اساسی‌ترین پیش‌شرط‌های هرگونه مشارکتی، ظرفیت‌سازی طرفین در زمینه مورد همکاری و درحد متعارف است. بنابراین سازمان‌های غیردولتی به عنوان یکی از شرکای توسعه همه‌جانبه کشور باید تمامی توان و ظرفیت فنی خود را به کار گیرند تا بتوانند ضمن قرار گرفتن در کنار دولت و بخش خصوصی به عنوان همکار و شریک صاحب صلاحیت ایفای نقش کنند. ازاین‌رو پس از اجرای طرح توانمندسازی، سازمان‌های غیردولتی در سطوح گوناگون واجد ظرفیت‌های متنوع و بسیار مناسبی در جهت توانمندسازی خود و گروه‌های ذی‌نفع خواهند شد. از سوی دیگر بخشی از طرح توانمندسازی معطوف به تعامل سازمان‌های دولتی و غیردولتی است. این بخش که با عنوان «گفت‌وگوی دولت و سازمان‌های غیردولتی و تمرین نقش‌های نوین» در طرح آمده است درصدد است تا ضمن فراهم ساختن ارتباط پویا و گسترده میان سازمان‌های دولتی و سازمان‌های غیردولتی اولاً زمینهٔ آشنایی آنها را با جایگاه و نقش و کارکرد هر یک در برنامه‌های توسعه فراهم سازد و ثانیاً چهارچوب مناسب و مورد تفاهم ارتباط دولت و سازمان‌های جامعهٔ مدنی ترسیم شود. لذا از سازمان‌های دولتی انتظار می‌رود در پی اجرای این برنامه ساختار مناسب برای تحقق نقش سازمان‌های غیردولتی را ایجاد کنند و ساز و کارهای قانونی مناسب برای مشارکت مستقیم (آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی، تصمیم‌سازی و اجرا) و غیرمستقیم سازمان‌های غیردولتی در سطوح مختلف سیاستگزاری و برنامه‌ریزی توسعه کشور را تمهید نمایند و از سازمان‌های غیردولتی نیز انتظار می‌رود تا ضمن آشنایی با نظام سیاستگزاری و برنامه‌ریزی، جایگاه دولت و نیز جایگاه تشکل‌های غیردولتی در برنامه‌ریزی‌های توسعه به ظرفیت بایسته و شایسته برای ایفای مناسب نقش دست یازند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

اقدامات قانونی دولت هشتم: آئین‌نامه اجرایی بند «ب» تبصره (۷) قانون بودجه سال ۸۲ کل کشور

در اجرای ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳) هیئت وزیران تصویب نمود که اعتبار مندرج در ذیل برنامه ۳۰۲۲۸ دستگاه‌های اجرایی کشور که در قانون بودجه سال ۸۲ کل کشور اشاره شده است، صرفاً به اموری اختصاص یابد که در چهارچوب مأموریت‌ها، اهداف و وظایف دستگاه‌های اجرایی منجر به توسعه مشارکت زنان و تقویت نهاد خانواده شود.

براساس بندهای «ز» و «ح» ماده ۲ آئین‌نامهٔ مذکور «توانمندسازی سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی زنان» و «زمینه‌سازی جهت حضور زنان در مجامع بین‌المللی با تأکید بر مشارکت سازمان‌های غیردولتی» را به عنوان دو اولویت از مجموع یازده اولویت زنان مورد تأکید قرار داده است. ازاین‌رو دستگاه‌های دولتی مکلفند بخشی از اعتبارات خود را در سال ۸۲ صرف توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی و فراهم‌سازی زمینه مناسب برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی زنان در مجامع بین‌المللی نمایند.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

تسهیلات دولت

براساس بند «د» ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه کشور مرکز امور مشارکت زنان موظف است تا «برای بهره‌گیری از خدمات مختلف اجتماعی زنان در زمینه‌های مالی، حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی طرح‌های لازم را با اولویت قائل شدن برای زنان خودسرپرست و بی‌سرپرست مناطق توسعه‌نیافته یا کم‌تر توسعه‌یافته و گروه‌های محروم جامعه در زمینهٔ حمایت از تشکیل سازمان‌های غیردولتی تهیه و برحسب مورد به دستگاه‌های اجرایی یا دولت منعکس کند تا پس از تصویب از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط اجرا شوند». براساس بند مذکور مرکز امور مشارکت زنان از سال ۷۹ با همکاری تعدادی از سازمان‌های دولتی و غیردولتی برنامه‌ای با عنوان توسعهٔ کمی و کیفی سازمان‌های غیردولتی زنان را تصویب و به اجرا درآورده است.

برنامه توسعه کمی سازمان‌های غیردولتی زنان

طرح توسعه مشارکت زنان: در این طرح که با حمایت و مشارکت مرکز امور مشارکت زنان

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

با دفتر امور بانوان وزارت کشور اجرا شد، ابتدا تمامی زنان توانمند و علاقه‌مند به فعالیت در تشکل‌های غیردولتی در استان‌های کشور شناسایی شده و سپس با برگزاری نشست‌های آگاهی‌بخش و اطلاع‌رسانی در ۲۸ استان کشور در زمینه افزایش دانش آنها نسبت به مفهوم مشارکت، اهمیت و ضرورت آن و مفهوم سازمان‌های غیردولتی اقدام شد. آنگاه علاقه‌مندان به تشکیل و یا فعالیت در سازمان‌های غیردولتی در قالب کارگاهی به مدت ۱۶ ساعت با مفهوم سازمان‌های غیردولتی، ویژگی‌های آن، نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی سازمان‌های غیردولتی در استان‌ها، روند قانونی تأسیس و تشکیل (ثبت) سازمان‌های غیردولتی، تجهیز منابع و مباحث جنسیتی ازجمله نقش زن در توسعه و مشارکت و جایگاه سازمان‌های غیردولتی زنان در جامعه مدنی آشنا شده و به بحث و بررسی پرداختند. به دنبال اجرای این طرح، بسیاری از زنان و دختران علاقه‌مند مبادرت به تشکیل سازمان غیردولتی در موضوعات گوناگون کردند.

طرح تربیت ۱۵۰ آموزشگر زن سازمان‌های غیردولتی

به منظور توانافزایی سازمان‌های غیردولتی زنان و انجام فعالیت‌های مؤثر، ارتقای سطح آگاهی سازمان‌های غیردولتی زنان از راه پاسخگویی به نیازهای آموزشی آنان، ایجاد کادر آموزشی مناسب با بهره‌گیری از نیروهای پرتوان بومی و کارآمدسازی سازمان‌های غیردولتی زنان از راه آموزش کاربردی و جنسیتی، با حمایت مرکز امور مشارکت زنان، دفتر امور بانوان وزارت کشور با همکاری تعدادی از سازمان‌های غیردولتی که در زمینه توانمندسازی و ظرفیت‌سازی سازمان‌های غیردولتی فعالیت دارند طرح تربیت ۱۵۰ آموزشگر زن سازمان‌های غیردولتی اجرا شد. در اجرای این طرح ۶۰۰ نفر از زنانی که در چهارچوب طرح توسعه مشارکت زنان در کارگاه‌های آموزشی شرکت کرده بودند، از طریق پرسشنامه مورد آزمون قرار گرفتند. درنهایت ۱۵۰ نفر از بانوانی که بالاترین نمره را در استان‌های خود کسب کرده بودند جهت شرکت در کارگاه شش روزه تربیت آموزشگر (Training of Trainer) در تهران انتخاب شدند. این طرح در دو بخش آموزش آموزشگران استانی و کارورزی آموزش‌پذیران در استان‌ها طراحی و اجرا شد تا همگام با رفع نیازهای آموزشی با ایجاد کادر آموزشگر خلأ موجود درخصوص آموزشگر مناسب برای سازمان‌های غیردولتی رفع شود. از ویژگی‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

منحصر به فرد این دوره‌ها، آموزش مباحث تخصصی حوزهٔ زنان در کنار مباحث عمومی مربوط به سازمان‌های غیردولتی بود.

برنامه توسعه کیفی سازمان‌های غیردولتی زنان

یکی از خط مشی‌های مرکز امور مشارکت زنان در رابطه با سازمان‌های غیردولتی حمایت از سازمان‌های غیردولتی زنان جهت تحقق اهداف مندرج در اساسنامه آن سازمان‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود سازمان‌های غیردولتی توانمند در پرداختن به موضوعات و رفع مشکلات مبتلابه زنان و سازمان‌های غیردولتی زنان و تواناسازی سازمان‌های مذکور، ارتقای ظرفیت و افزایش بازدهی فعالیت آنها از طریق مشاوره، آموزش و واگذاری برخی از طرح‌های اجرایی و پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان و سایر دستگاه‌های اجرایی به سازمان‌های غیردولتی است. ازاین‌رو از سال ۷۹ تا پایان سال ۸۱ مرکز امور مشارکت زنان از ۲۰۵ طرح سازمان‌های غیردولتی شامل ۶۵ طرح آموزشی، ۵۴ طرح اشتغال‌زایی و حرفه‌آموزی، ۴۳ طرح فرهنگی – اطلاع‌رسانی، ۴۰ طرح حمایتی و ۳ طرح پژوهشی حمایت مالی کرده است. اکثر این طرح‌ها در سطوح محلی و تعدادی نیز در سطوح ملی و بین‌المللی اجرا شده است. هدف اصلی حمایت مرکز امور مشارکت زنان از طرح‌های سازمان‌های غیردولتی تحقق این باور است که اعتماد متقابل، فرصت‌سازی و ایجاد فضای قابلیت‌زا برای سازمان‌های غیردولتی یکی از مهم‌ترین شرایط رشد و توسعه سازمان‌های غیردولتی، تحقق اهداف اساسنامه آن سازمان‌ها و آمادگی برای ایفای نقش در برنامه‌های توسعه کشور و توسعه جامعه مدنی است.

تحلیل موضوع

در این دوران به دلیل تسلط گفتمان مردم سالاری، جامعه مدنی در سطح ملی و دولت، فرصت‌های مناسبی فراروی نهادهای مدنی قرار گرفت، همچنین تنوع نهادهای مدنی مدرن بیش از پیش چشمگیر شد.. در این دوره دولتمردان مشارکت سیاسی مردم را بیشتر باور کرده و از حضور نهادهای مدنی به عنوان یکی از بازیگران عرصه اجتماعی در کنار دولت و بخش خصوصی استقبال کردند. شکل گیری مثلث دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی، بدون تردید تعریفی مشخص از جایگاه هر یک از این بازیگران برای ایفای نقش مؤثر و فعال در

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

توسعه کشور را می‌طلبید. غالب بودن شعار جامعه مدنی در گفتارها و نبود برنامه ریزی مدون برای پایداری این نهادها از جمله خلأهای قابل توجه در این مقطع زمانی است. نکته حائز اهمیت دیگر در این دوران، ضرورت زمانی و تحولات جامعه جهانی مدنی بود، که زمینه مناسبی برای تقویت این پدیده در عرصه عمومی کشور به وجود آورد زیرا بحث مشارکت سیاسی مردم در امور و کوچک کردن دولت از جمله سیاست‌هایی بود که دنبال می‌شد. بنابراین باید زمینه برای این اتفاق فراهم می‌آمد. (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵:۱۲۸-۱۳۰)

رویکرد وبرنامه های ریاست جمهوری احمدی نژاد

با روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد، ورق به گونه‌ای دیگر برگشت. با روی کار آمدن دولت عدالت محور، به دلیل نگاه محدود دولت، نهادهای مدنی که به تدریج وارد فاز تثبیت می‌شدند، با چالش‌های جدیدی رو به رو شده‌اند، با وجود پذیرش این نهادها در سخن دولتمردان، در عمل مانع رشد و ادامه حیات آنان می‌شوند. در این دوران با وجود شعارهای عدالت محورانه حرکت به سوی عدالت اجتماعی احساس نمی‌شود، زیرا این حرکت نیاز به ملزوماتی دارد که نه تنها چشم انداز روشنی برای آن تعریف نشده است که پس از گذشت چند ماه نهادهای مدنی به عنوان نماد کوچکی از حرکت‌های مردم محور با اتهامات متعددی چون براندازی نرم، دریافت پول از کشورهای خارجی، جاسوسی، ابزار دشمن و غیره مواجه شدند، بدین ترتیب شاهد به حاشیه رانده شدن این نهادها در مشارکت سیاسی در سپهر عمومی هستیم. در این مدت همواره انگشت اتهام مسوولان به طرف نهادهای مدنی نشانه رفته است (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۴۳ - ۱۴۰). این امر ناشی از عوامل زیر می‌باشد:

۱ ـ نگاه سلبی به سمن (عدم مفاهمه نقش وجایگاه سمن)

۲ ـ تلاش برای تقویت جایگاه مساجد و هیات های مذهبی

۳ ـ محدود کردن سمن‌های مرتبط با خارجی‌ها

۴ ـ اقدامات دفتر امور زنان وخانواده در تدوین برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده.

-توجه و تأکید بیشتر بر نقش مردم و نهادهای مدنی (دیپلماسی مردم محور)

دولت نهم علاوه بر بهره گیری از بسیج توده‌ها در داخل به عنوان پشتوانه سیاست خارجی، بر این باور بود که تعاملات بین دولتی می‌تواند جمهوری اسلامی را در تحقق

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

اهداف استقلال طلبانه و ضد سلطه گری یاری رساند. در این راستا دیپلماسی مردم محور به عنوان مبنای اعتمادسازی جهانی با حفظ اصول، ارزش‌ها و اقتدار در عرصه‌های بین المللی مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا احمدی نژاد می بیان می‌کند که: » ما فکر می‌کنیم که همه انسان‌ها باید همدیگر را دوست داشته باشند و عاشق هم باشند تا دنیا بتوا ند روی صلح و دوستی را ببینند. ما واقعاً هرجایی بر هر ملتی درد و رنجی وارد می‌شود، غصه دار می‌شویم و این خصلت از پیامبر عظیم الشأن ما حضرت محمد (ص) به ما ارث رسیده است که در غم و رنج دیگران می‌سوخت. نمی‌توانیم در مقابل غم و رنج دیگران بی تفاوت باشیم. همه دنیا را دوست داریم. چون همه را دوست داریم با تهدید مخالفیم» (عیوضی، ۱۳۸۷: ۲۲۱)

به کارگیری ظرفیت‌های فرهنگی، رسانه‌ای، دانشگاهی و تشکل‌های غیر دولتی در جهت توسعه و پیشبرد اهداف سیاست خارجی و نیز اهتمام به نقش ایرانیان مقیم خارج، مسلمانان و نخبگان شیفته انقلاب اسلامی به عنوان سفرای فرهنگی کشور، بازیگران مؤثر در همکاری علمی، فنی و اقتصادی با جهان در این راستا قابل ارزیابی است. دولت نهم درصدد آن برآمده که بر روی افکار عمومی منطقه و جهان سرمایه گذاری کند چرا که ملت‌ها با سیاست‌های سلطه جویانه آمریکا و روش‌های توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی مخالفند. (عیوضی، ۱۳۸۷: ۲۱۸-۲۱۹) بنابراین در تحلیل وضعیت سمن‌ها در دوران احمدی نژاد می‌توان بیان داشت که با به قدرت رسیدن محمود احمدی نژاد در سال ۲۰۰۵، دوران افول سازمان‌های غیر دولتی و فعالیت‌های جامعه مدنی فرا رسید. در این دوران با وجود شعارهای عدالت محورانه حرکت به سوی عدالت اجتماعی احساس نمی‌شود، در این مدت همواره انگشت اتهام مسوولان به طرف نهادهای مدنی نشانه رفته است. (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۴۳)

برخی از افراد وابسته به جریان محافظه‌کار در ایران، مانند حمید رضا ترقی، بر این باور بودند که احمدی نژاد بجای پیروی از مدل‌های غربی، نظیر بهره‌گیری از جامعه مدنی، به گروه‌های مذهبی و مساجد تکیه خواهد کرد. وی معتقد بود که این گروه‌ها با فرهنگ بومی سازگارتر هستند. با پیروزی احمدی نژاد در انتخاب ریاست جمهوری این پیش‌بینی ترقی درست از کار درآمد. در اولین بودجه‌ای که توسط دولت احمدی نژاد به مجلس تقدیم شد بودجه نهادهای مذهبی، حوزه‌های علمیه و مؤسسات فرهنگی افزایش یافت. در برخی از موارد بودجه این نهادها تا ۱۰۰ درصد افزایش یافت. احمدی نژاد تلاش می‌کرد با اختصاص

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

بودجه بیشتر به نهادهای مذهبی، قدرت سیاسی خود را تثبیت نماید. در حوزه قانون‌گذاری نیز موانعی بر سر راه فعالیت سازمان‌های غیر دولتی ایجاد شد. بر اساس گفته‌های نگار کتیرائی، یکی از وکلای دادگستری، قوانین مربوط به فعالیت سازمان‌های غیر دولتی پیچیده و سخت شده بود. (https://www.rferl.org/a/1070502.html)، آمارها نیز نشان می‌دهد که در این دوره تعداد سازمان‌های غیر دولتی کاهش چشم‌گیری داشته است. در سال ۲۰۰۵، بیش از ۴۰۰۰ سازمان غیر دولتی در ایران فعال بوده‌اند؛ اما این رقم در سال ۲۰۱۳، به ۵۵۰ سازمان غیر دولتی کاهش میابد. (https://www.alaraby.co.uk)

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

نتیجه گیری

با بررسی این مقاله در قالب این موضوع مطالعه تطبیقی رویکرد دولت‌های هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران به سازمانهای مردم نهاد فرهنگی و اجتماعی نتایج زیر قابل ارائه می‌باشند اولاً؛ بررسی وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد در جمهوری اسلامی ایران حاکی از آن است که به دلیل خلاء قانونی و نبود سند راهبردی همچنین تفاوت رویکرد دولتها برای تأسیس، استقرار و توسعه این سازمانها، از ظرفیت بسیارخوب این نهادها تاکنون به صورت مناسبی استفاده نشده است؛ از سویی دیگر، افراط و تفریط‌ها در خصوص این سازمانها مشکلاتی برای کشور به وجود آورده و به جای ایفای کارکرد واقعی خود و کمک به پیشرفت و توسعه سیاسی و اجتماعی، گاهاً به مانعی برای آن تبدیل شده‌اند، ثانیاً؛ بررسی وضعیت سازمان‌های غیر دولتی در ایران نشان می‌دهد که این سازمان‌ها تحت نظارت شدید دولت قرار دارند. با این وجود، این شرایط با روی کار آمدن دولت اصلاحات به رهبری، سید محمد خاتمی، با تغییرات مهمی همراه بود. در این دوره شاهد افزایش تعداد و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی بودیم. دولت خاتمی تلاش می‌کرد با کوچک کردن دولت و افزایش مشارکت سازمان‌های غیر دولتی و جامعه مدنی در مدیریت امور کشور، هزینه و بار مسئولیت دولت را کاهش دهد؛ دولت خاتمی در این زمینه مؤفقیت‌هایی نیز بدست آورد. ثالثاً؛ با پیروزی محمود احمدی نژاد در سال ۲۰۰۵، شاهد کاهش تعداد و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی مستقل هستیم. در این دوره، دولت احمدی نژاد تلاش کرد با حمایت از نهادهای مذهبی طرفدار خود، قدرت سیاسی خود را تثبیت نماید و نقش سازمان‌های غیر دولتی و جامعه مدنی را اداره امور کشور کاهش دهد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

منابع

-آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۳) *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران، نی.

-بهرامی، فرخ اله شاه؛ پیشگاهی فر، زهرا؛ زال پور، کیانوش و بختیاری، تقی (پائیز ۱۳۸۹)، تأثیر فعالیت‌های سازمان‌های مردم نهاد بر پیشگیری از ارتکاب جرم زنان سرپرست خانوار، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، سال پنجم، شماره سوم.

-متقی، ابراهیم و جمالی پور، هدایت الله، (۱۳۹۱) بررسی روندهای تداوم و تغییر در سیاست خارجی ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی و احمدی نژاد، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال چهارم، شماره ۱۱.

- حیدری، نصر الله و محسن جمشیدی، (۱۳۹۵) نقش و جایگاه سازمان‌های مردم نهاد در مشارکت سیاسی در دوران‌های ریاست جمهوری خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، دوره ۱۲، شماره ۳۶.

- عیوضی، محمد رحیم، (۱۳۸۷) تحلیلی بر سیاست خارجی آقای دکتر محمود احمدی نژاد، *فصلنامه راهبرد یاس*، شماره ۱۴.

- عبدالله جوادی آملی (۱۳۹۴)، *نسبت دین و دنیا*، تهران. اسرا.

- حیدری، نصرت اله و جمشیدی، محسن (پائیز ۱۳۹۵)، *نقش و جایگاه سازمان‌های مردم نهاد در مشارکت سیاسی در دوران‌های ریاست جمهوری خاتمی، احمدی نژاد و روحانی*، سال دوازدهم، شماره ۳۶.

- معصومی، رضا (۱۳۸۹)، *نقش سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری از اعتیاد*، ایران پاک، شماره ۱۱.

- مرکز مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، ۱۳۸۰.

- ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۹) *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: قومس.

- پورنجاتی، احمد؛ جامعه مدنی و نهادهای مردمی، *روزنامه نوروز*، ش ۳۷۳، مورخ ۱۳۸۱/۴/۲۴.

- مسعودنیا، حسین (۱۳۷۷) اندیشه‌ها و نقش روشنفکران در ایران؛ گذشته و حال، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، س دوم، ش هفتم.

- قنبری، سمیه و همکاران (۱۳۹۵) استحکام درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های مقام معظم رهبری؛ با تأکید بر مؤلفه‌های دفاعی- امنیتی، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره چهارم.

منابع لاتین

-Soltankhah, V. (2005). **Women political participation in Isfahan Province (awareness, attitudes and strategies), Women and Research, Province Researches, foreign ministry's women affairs office**.

- Non-govermental organizations

-Mohammad Ali Khosravi & Shohreh Shahsavari Fard, Non-Governmental

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]

Organizations and the Barriers of Their Efficiency in Iran (after 1979), **Journal of Political Science**, 6, 191-204, 2016.

- **https**://**www**.**rferl**.**org/a**/1070502.**html**, (**Accessed on**: 9/10/2019).

-**https**://**www**.**alaraby**.**co**.**uk/english/comment**/2015/11/11/**iranian-civil-society-in-despair**, (**Accessed on**: 12/10/2018).

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۱۰۲

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

رحیمی کیا، علیرضا؛ افتخاری، اصغر (۱۳۹۹)، «مطالعه تطبیقی رویکرد دولت‌های هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران به سازمانهای مردم نهاد فرهنگی و اجتماعی» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۰، ش۱، بهار ۹۹، صص ۴۸-۲۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.5.6]